

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی
۰۶ مارچ ۲۰۲۵

تاریخچه هشت مارچ در جهان و ایران و تشدید سرکوب زنان در ایران!

۸ مارچ روز جهانی زن (International Women's Day)، بر همه زنان و همه انسان‌های آزادی‌خواه و برابری‌طلب جهان مبارک باد!

کارل مارکس، بنیان‌گذار سوسیالیسم علمی، در نامه‌ای به لودویک کوگلمان به تاریخ ۱۲ دسامبر ۱۸۶۸ نوشت: «هر کس که چیزی از تاریخ بداند، این را نیز می‌داند که انقلاب عظیم اجتماعی بدون خروش زنانه غیرممکن است. سنجش میزان پیشرفت اجتماعی دقیقاً با موقعیت اجتماعی عادلانه جنسیتی قابل‌اندازه‌گیری است.» (Marx، MECW، Engels Collected Works – جلد ۴۳)

روز جهانی زن روز اعلام همبستگی همه‌جامعه و جهان‌شمول علیه نابرابری و ستم بر زنان، در همه عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است. روز عزم سیاسی-اجتماعی برای رهائی جامعه از نابرابری جنسیتی، مردسالاری، زن‌ستیزی و زن‌آزاری است که سیستم سرمایه‌داری به جوامع بشری تحمیل کرده است. روز جمع‌بندی مبارزات سالی که گذشته و عهد و پیمان در ادمه راه‌های بخش‌شان و همچنین برنامه‌ریزی مبارزه در طول سال در پیش است.

روز جهانی زن یادآور دستاوردهائی است که زنان طی بیش از یک قرن گذشته برای رسیدن به موقعیت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برابر در جامعه داشته‌اند. این روز در کشورهای بسیاری به‌عنوان روز تعطیل شناخته می‌شود و از آن به‌عنوان موقعیتی برای تجلیل از زنان برابری‌خواه و فعال در زمینه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی استفاده می‌شود.

اما با این حال بذر ماجرا در سال ۱۹۰۸ کاشته شد، زمانی که ۱۵ هزار زن در شهر نیویورک راهپیمائی کردند و خواهان ساعات کار کمتر، حقوق بیشتر و حق رای شدند. حزب سوسیالیست امریکا، یک سال بعد از این راهپیمائی، اولین روز جهانی زن را اعلام کرد.

ایده جهانی شدن این روز از زنی به نام کلارا زتکین بود. او این پیشنهاد را در سال ۱۹۱۰ در کنفرانس جهانی زنان کارگر در کینهاگ داد. در این کنفرانس ۱۰۰ زن از ۱۷ کشور جهان حضور داشتند که همگی به اتفاق آراء با پیشنهاد او موافقت کردند.

اولین بزرگداشت این روز در سال ۱۹۱۱ در اتریش، دانمارک، المان و سوئیس برگزار شد. تا این که در سال ۱۹۷۵ سازمان ملل متحد این روز به رسمیت شناخت. در سال ۱۹۹۶ هم سازمان ملل متحد، موضوع «بزرگداشت گذشته، برنامه‌ریزی برای آینده» را انتخاب کرد.



تصویری از دو زن در اعتصاب زنان کارگر صنعت پوشاک آمریکا در ۱۹۰۹ - آن‌ها پارچه‌ای را در دست دارند که روی آن نوشته شده: زنان خیاط معترض در اعتصاب - عکس از آرشیو ملی ایالات متحده آمریکا با وجود تهدیدهای امنیتی و سرکوب شدید زنان مبارزه، روز جهانی زنان همه ساله در ایران، برگزار می‌گردد. برگزاری این روز در ایران توسط حکومت به عنوان «روز جهانی زنان» به رسمیت شناخته نمی‌شود. فعالانی که برای تحقق حقوق زنان بر اساس معیارهای جهان‌شمول جهانی تلاش می‌کنند، مورد آزار و تعقیب کیفی قرار می‌گیرند. جنبش زنان در ایران اگرچه پیشینه‌ای به قدمت انقلاب مشروطه دارد، اما فقط در ۱۲ سال بین ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۸، بود که توانست یک دوره مستمر نهادسازی و پس از آن مطالبه‌محوری و سازمان‌دهی کارزارها و اعتراض‌های جمعی برای احقاق حقوق زنان را در کارنامه خود ثبت کند و خواسته‌های زنان را به صورت گسترده در عرصه عمومی مطرح کند.

تنها چند سال بعد از جهانی شدن روز ۸ مارچ، یعنی ۳ اسفند ۱۳۰۳ برابر با ۸ مارچ ۱۹۲۴، جمعیتی از زنان چپ، به نام «بیک سعادت نسوان» بزرگداشت این روز را در گیلان برگزار کردند. روشنگر نودوست، جمیله صدیقی، سکینه شیرنگ، اورانوس پاریاب سازمان‌دهندگان این مراسم بودند و بعضی از آن‌ها دستگیر و محکوم به حبس شدند. این شاید اولین و آخرین بزرگداشت این روز در ایران طی بیش از نیم‌قرن بود.

تظاهرات زنان در روز جهانی زن در تهران، ۱۷ اسفند ۱۳۵۷، یک روز ماندگار در تاریخ ایران و جمهوری اسلامی ایران است. به‌خصوص فعالان چپ در این روز تظاهرات بزرگی در تهران برگزار کردند، حتی فعالان فمینیست مشهور بین‌المللی مانند کیت میلت هم برای حمایت به ایران آمدند. تظاهرات علیه تبعیض و حجاب اجباری و تاکید بر آزادی و برابری بود. در نهایت نیروهای امنیتی آن را به خشونت کشاندند و برخی فعالان حقوق زنان گفتند «سرکوب جای امید را گرفت».

چرا ۸ مارچ روز جهانی «زن» شد؟

ایده انتخاب روزی از سال به‌عنوان روز زن در ۲۳ فوریه ۱۹۰۹ در جریان تظاهراتی در نیویورک رخ داد. دو هزار زن تظاهر کننده با شعار «حق رای برای زنان» پیشنهاد کردند هر سال، یکشنبه آخر فوریه، تظاهراتی سراسری در آمریکا به‌مناسبت «روز زن» برگزار شود.

اعتراضات از خیلی وقت قبل آغاز شده بود. در سال ۱۸۵۷، زنان کارگر کارگاه‌های پارچه‌بافی و لباس‌دوزی در نیویورک امریکا به خیابان ریختند و خواهان افزایش دستمزد، کاهش ساعات کار و بهبود شرایط بسیار نامناسب کار شدند. این تظاهرات با حمله پلیس و کتک‌زدن زنان برهم خورد. البته یک دهه قبل یعنی در سال ۱۸۴۰، زنان المان با اعتراض‌های آرام ۱۹ مارچ را روز زن نامگذاری کرده بودند.

یک سال بعد در جریان بزرگداشت قربانیان هشت مارچ، فعالان باز هم سرکوب شدند. تظاهرات و اعتراض‌ها زنان در امریکا در سال‌های بعد ادامه پیدا کرد، هر چند با سرکوب شدید پلیس مواجه می‌شد. موج اعتراضات مرزهای امریکا را پشت سر گذاشت و به اروپا رسید و با جنبش‌های سوسیالیستی آن زمان که خواهان عدالت‌خواهی بودند گره خورد.

حق طلاق، حق سقط جنین، تامین شغلی، منع آزار جنسی، کاهش ساعات کار روزانه از مطالبات جنبش زنان در کشورهای مختلف بود.

به این ترتیب، مبارزات جنبش کارگری کمونیستی و فعالین عرصه زنان و نامگذاری ۸ مارچ به‌عنوان روز جهانی زنان از سال ۱۸۵۷ میلادی آغاز شد. به دنبال شرایط کاری سخت و غیر انسانی و همچنین دستمزد کم؛ کارگران زن در واکنش به این نابرابری و بی‌عدالتی در نقاط مختلفی از اروپا و امریکا اعتراض کردند. تظاهرات زیادی را در این زمینه نیز به راه افتاد. کارگران نساجی زن در یک کارخانه پوشاک در شهر شیکاگو برای اعتراض به این شرایط اعتصاب کردند. به همین دلیل صاحب این کارخانه برای جلوگیری از اتحاد کارگران بخش‌های مختلف، این زنان را در محل کارشان حبس کرد. پس از مدتی؛ این کارخانه آتش گرفت و تنها تعداد کمی از زنان کارگر توانستند جان خود را نجات دهند. در نهایت ۱۲۹ نفر دیگر از آن‌ها در این آتش گرفتار شدند و سوختند. سال‌ها بعد زنان در امریکا و کشورهای مختلف اروپا؛ در واکنش به تبعیض، استعمار کاری زنان و فشار علیه زنان در محیط کار در این روز به خیابان‌ها آمدند.

نخستین مراسم روز زن در ۲۸ فوریه سال ۱۹۰۹ در نیویورک برگزار شد. این مراسم توسط حزب سوسیالیست امریکا (اندیشه‌ای سیاسی اجتماعی که هدف آن ایجاد نظم اجتماعی است)، برای یادبود اعتصاب «اتحادیه جهانی زنان کارگر صنایع پوشاک» بود.



تصویری از کلارا زتکین (سمت چپ) و رزا لوکزامبورگ، سوسیالیست-کمونیست لهستانی-تبار (سمت راست) - سال ۱۹۱۰ در ماگدبورگ المان - عکاس ناشناس

در ماه اوت؛ «لوئیس زیتس» سوسیالیست المانی پیشنهاد تاسیس سالانه روز بین‌المللی زن را داد و کلارا زتکین سوسیالیست پیشرو که بعدها یک رهبر کمونیست شد از او حمایت کرد.

کلارا زتکین، سوسیالیست المانی پیشنهاد کرد «روز زن» برای ادای احترام به جنبش حقوق زنان و کمک به دستیابی به حق رای جهانی برای زنان و همچنین به جهت گرامی‌داشت اعتصاب کارگران پوشاک در ایالات متحده، تعطیل اعلام شود. او همچنین بدون طرح تاریخ مشخصی، پیشنهاد کرد همه در کشورها برای تاکید بر مطالبه‌های زنان و فشار آوردن برای تحقق این مطالبه‌ها هر سال در این روز مراسمی برگزار شود. این پیشنهاد مورد موافقت ۱۰۰ زن از ۱۷ کشور جهان قرار گرفت.

برگزاری ۳۰۰ تظاهرات در یک روز

سال بعد در ۱۹ مارچ ۱۹۱۱ روز بین‌المللی زن برای میلیون‌ها شهروند در اتریش، دانمارک، المان و سوئیس برای اولین بار شناخته شد. تنها در امپراطوری اتریش-مجارستان، ۳۰۰ تظاهرات برگزار شد. در وین، زن‌ها در رینگ‌اشتراسه رژه رفتند و بنرهایی به افتخار کشته شده‌های کمون پاریس حمل کردند. مطالبات زنان در آن سال؛ حق رای، مناصب عمومی، تنظیم ساعت کار برابر با مردان، حقوق برابر با مردان و تنظیم مرخصی زایمان بود. آن‌ها همچنین نسبت به تبعیض جنسیتی در استخدام اعتراض داشتند. امریکائی‌ها در آخرین یکشنبه فوریه روز ملی زن را به پا داشتند.

مبارزه برای اعطای حق رای زنان از لندن تا المان

در ۱۹۱۴ روز جهانی زنان در ۸ مارچ برگزار شد. در همان سال، برگزاری روز زن در المان منجر به اعطای حق رای زنان شد اما زنان المانی همچنان تا سال ۱۹۱۸ این حق را به دست نیاوردند. در ۸ مارچ ۱۹۱۴ در لندن نیز راهپیمایی از میدان «بو تا ترافالگار» در حمایت از حق رای زنان برگزار شد. «سیلویا پنکهرست» فعال حقوق زنان در بریتانیا در راه میدان ترافالگار برای سخنرانی، جلوی ایستگاه چارلز کراس دستگیر شد. سیلویا از جمله زنانی است که برای اعطای حق رای در بریتانیا تلاش کرد. در ۱۹۱۷ تظاهراتی تحت عنوان روز بین‌المللی زن در سنت پترزبورگ برپا شد که سرآغاز انقلاب فوریه بود. در این روز، زنان در سنت پترزبورگ برای «نان و صلح» در اعتصابات شرکت کردند و خواستار پایان دادن به جنگ جهانی اول، کمبود مواد غذایی روسیه و حکومت استبدادی مطلقه شدند.



سیلویا پنکهرست فعال حقوق زنان بریتانیایی

در آخرین یکشنبه ماه فوریه سال ۱۹۱۷ در تقویم قدیمی روسی که برابر با ۸ مارچ است؛ زنان روسیه در خیابان اصلی شهر «پتروگراد» تجمع کردند و در مخالفت با خطمشی سیاست‌مداران این کشور و اعتراض به کشته شدن بیش از دویلمیون سرباز روس در جریان جنگ جهانی اول شعار سر دادند.

این تجمع به تجمع «نان و صلح» معروف شد و زنان در آن روز خواستار پایان دادن به جنگ جهانی اول، کمبود مواد غذایی در روسیه و حکومت استبدادی شدند. در این تجمع گروه‌های مختلفی از زنان شامل دختران دانشجو، زنان شاغل و البته زنان کارگر شرکت کردند. آنچه که در این روز مهم است این است که تجمع ۸ مارچ در روسیه سرآغاز جنبش اعتراضی علیه امپراتوری روسیه و در نهایت انقلاب روسیه شد. برای همین گفته می‌شود این انقلاب را کارگران زن آغاز کردند، نه مردان.

۸ مارچ سال ۱۹۱۷، زنان کارگر کارخانه نساجی در منطقه ویبورگ، در پتروگراد، دست به اعتصاب زدند. زنان کارگر در آن روز کارخانه‌ها را ترک کردند و در گروه‌های صدنفری درحالی که از کارخانه‌ای به کارخانه دیگر می‌رفتند؛ از دیگر کارگران هم درخواست می‌کردند تا به اعتصابشان بپیوندند و در درگیری‌های بین آن‌ها و نیروی پلیس حاضر شوند.

۱۲ تا ۱۳ ساعت کار در شرایط آلوده و ناسالم و دریافت دستمزد کم باعث خشم زنان روسیه شده بود. البته این تمام خواسته زنان نبود. آن‌ها همچنین خواستار پایان جنگ و بازگشت مردان از جبهه جنگ جهانی بودند. در این اعتراضات، کارگران زن خواستار همبستگی بیشتر آحاد مردم و حمایت مردان به ویژه کارگران ماهر در بخش مهندسی و کارگران کارخانه‌های فلز بودند. این گروه‌ها کسانی بودند که از نظر سیاسی و اجتماعی آگاه‌تر و قدرتمندترین نیروی کار شناخته می‌شدند. در آن روز، زنان به سمت پنجره‌های کارخانه چوب و سنگ و گلوله‌های برفی پرتاب می‌کردند و تلاش می‌کردند تا وارد ساختمان اصلی شوند.

انقلاب زنان برای نان

مورخان و تاریخ پژوهان می‌گویند که این اعتراض زنان برای «نان» بود و مانند همیشه، گروهی از جامعه روسیه خواستار مطالبات اقتصادی خود بودند. با وجود این که تمام اعتراض ۸ مارچ زنان کارخانه نساجی ویبورگ برگرفته از احساسات زنانه‌شان بود و بدون هیچ‌گونه برنامه‌ریزی سیاسی پیش رفتند اما همین یک اعتراض زنانه اولین چراغ انقلاب روسیه و حکومت تزاریسم شد.

زنان تلاش کردند پیش از آن که اقدام‌شان پشت حرکت مردان کارگر و احزاب مردسالار نادیده گرفته شود، حرف خود را نیز بزنند. از آغاز اعتصابات فوریه شعارهای سیاسی علیه جنگ در اعتراضات داده می‌شد. جسارت، بی‌باکی، عزم و همچنین روش‌هایی که زنان برای اعتراض استفاده می‌کردند روشن کرد که زنان ریشه مشکلات را به‌خوبی متوجه شده‌اند. زنان فهمیده بودند که وحدت کارگران و حمایت سربازان از معترضان، به‌جای دفاع از دولت تزاری، رمز پیروزی آن‌هاست.

«ترورسکی» متفکر روسی در این باره نوشته است: «نقش بزرگ را زنان کارگر با ایجاد روابط بین کارگران و سربازان ایفا کردند. آن‌ها شجاع‌تر و جسورتر در صحنه حاضر می‌شدند و با نزدیک شدن به سربازان و فرماندهان نظامی از آن‌ها می‌خواستند تفنگ خود را زمین بگذارند و به آن‌ها بپیوندند. سربازان نیز با دیدن این صحنه هیجان زده می‌شدند و با نگاه‌هایی مضطرب با یکدیگر صحبت می‌کردند و نمی‌دانستند چه واکنشی نشان دهند.»



در ۲۳ فوریه (۸ مارچ)، زنان کارگر توانستند سربازانی را که مسئول مخازن واکن‌های برقی بودند؛ متقاعد کنند به اعتصاب بپیوندند. سربازان واکن‌ها را واژگون کردند تا از آن‌ها به‌عنوان سنگر علیه پلیس استفاده کنند. خستگی سربازان از جنگ و بحران‌های حاصل از آن و همچنین گسترش این اعتراضات خودجوش در دیگر نقاط تنها دلیل پیروزی معترضان بر سربازان نبود، بلکه زنان کارگر نساجی از سال ۱۹۱۴ با تعداد زیادی از سربازان کشاورز و رعیت که عمدتاً در پتروگراد زندگی می‌کردند، آشنا بودند.

مردان در پادگان‌ها و زنان در کارخانه‌ها، کسانی که از یک منطقه به شهرها آمده بودند، با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کردند و درباره مشکلات حرف می‌زدند. این کار باعث شده بود که فاصله بین سربازان و کارگران به مرور کمتر شود و زنان کارگر درباره حمایت مسلحانه در اعتراضات درک و فهم روشنی پیدا کنند. زنان کارگر کسانی بودند که در خط اول انقلاب فوریه یعنی انقلابی که اوج نابودی تزارسم بود، محکم و استوار ایستادگی کردند. آن‌ها صرفاً جرقه این انقلاب را نزدند، بلکه موتور محرک آن بودند. زنان کارگر زمانی دست به چنین اقدامی زدند که بسیاری از کارگران مرد و انقلابیون به آن‌ها اطمینان نداشتند.

زنان کارگر و سرپرست خانوار مجبور بودند ساعت‌ها برای تامین موادغذائی خانواده خود در صف بایستند. این امر باعث شد آن‌ها به مرور زمان متوجه شوند که مطالبات‌شان برای رسیدن به نان، بر مطالبات سیاسی مبنی بر پایان یافتن جنگ ارجحیت ندارد و هر دو به یک میزان باید در اولویت قرار گیرند. در نهایت، مردم متوجه شدند که فقر و قحطی و بحران اقتصادی به‌وجود آمده نتیجه ناکارآمدی سیاست مدارانی است که در رأس تصمیمات هستند.

هر ساله سازمان ملل متحد یک شعار برای روز جهانی زن انتخاب می‌کند. شعار سال ۲۰۲۳ «نوآوری و فناوری برای برابری جنسیتی» است.

مبارزات پی در پی زنان در نقاط مختلف دنیا سرانجام سازمان ملل متحد را وادار کرد تا در سال ۱۹۷۵ هشتم مارچ را به‌عنوان روز جهانی زن به رسمیت بشناسد.

مبارزه تاریخی زنان ایران

تاریخ‌نویسان از شرکت زنان در شورش‌های مشروطیت ایران و دلیری‌های آنان در راه آزادی، سخن‌ها گفته‌اند. ایوانف، از خاورشناسان روس، در مقاله‌ای می‌نویسد: «در بیستم ژانویه ۱۹۰۷م (۱۹ دی ۱۲۸۵ش) میتینگ از بانوان در شهر تهران تشکیل شد که در آن ده ماده از خواسته‌های زنان و از آن جمله تاسیس مدارس دخترانه و تعدیل و تخفیف در میزان صداق (مهریه) به تصویب رسید.» در رساله‌ای که تریا، پاولوویچ و ایرانسکی به نام «انقلاب مشروطه

ایران» نوشته‌اند، می‌خوانیم: «در نهضت مشروطه ایران، زنان ایرانی نیز پای در میان داشتند. (ایوانف، م. س: «تأثیر انقلاب ۱۹۰۵ روسیه در انقلاب ۱۹۱۱ - ۱۹۰۵ ایران»، مجله «یادداشت‌های علمی»، ج ۱) در رساله‌ای که تریا، پاولوویچ و ایرانسکی به نام «انقلاب مشروطه ایران» نوشته‌اند، می‌خوانیم: «در نهضت مشروطه ایران، زنان ایرانی نیز پای در میان داشتند. عکس یک دسته شصت نفری از زنان چادر به سر و تفنگ به دست اکنون در اختیار ماست. اینان نگهبانان یکی از سنگرهای تبریز بودند.» (تریا، پاولوویچ و ایرانسکی: «انقلاب مشروطه ایران»، ترجمه م. هوشیار، تهران، ۱۳۳۰)

و باز در همان کتاب از قول روزنامه «حبل‌المتین» نقل شده است: «در یکی از زدوخوردهای انقلابی معروف ستارخان با لشکریان شاه، در میان کشته‌شدگان انقلابیون جنازه بیست زن مشروطه خواه در لباس مردانه پیدا شده است.» و هم در آن کتاب آمده است: «در میتینگ‌های مربوط به مبارزه مشروطیت ایران، زنان ایرانی به تعداد زیادی دست داشتند و بسیاری از مبارزان ایرانی از کمک‌های ذی‌قیمت خواهران و زنان خود برخوردار می‌شدند.» از تاریخ‌نویسان ایران احمد کسروی، در ذکر رویدادهای روز یکشنبه ۴ خرداد ۱۲۸۶ ش. می‌نویسد: «امروز زنان تهران نیز در خیزش پا در میان داشتند و چنان که «حبل‌المتین» نوشته، پانصد تن از ایشان در جلوی بهارستان گرد آمده بودند.»

به گفته شوستر، مستشار امریکائی ایران، در آن اوان، سازمان‌ها و باشگاه‌های زنانه در تهران وجود داشته و اعضای این سازمان‌ها سوگند یاد کرده بودند که با استقراض از روس و انگلیس که استقلال کشور را به خطر می‌انداخت، مبارزه نمایند. مسئله تربیت زن و آزادی او همیشه روشنفکران و آزادی خواهان ایران را نگران می‌داشت. میرزا یوسف خان اعتصام الملک، پدر پروین اعتصامی و صاحب مجله «بهار»، گویا نخستین کسی است که به گفته دهخدا «لوائ این حریت را برافراشته و بذر این شجر بارور را کشته است.»

میرزا یوسف خان، چند سال پیش از مشروطیت، در مرداد ۱۲۷۹ ش کتاب «تحریر المرئه»، تألیف قاسم امین مصری، را در حقوق و آزادی زنان به فارسی ترجمه و به نام «تربیت نسوان» در تبریز چاپ کرد و طالبوف، پس از دریافت نسخه این کتاب، چند ماه پس از آن، به مترجم آن نوشت: «صد مرحبا بر آن سلیقه معنوی که سنگ گوشه بنای عمارت بزرگ تمدن لا بُد منه وطن را گذاشتی که در آتیه در مجالسی که نسوان ایران دعوی تسویه حقوق خود را با نطق‌های فصیح و کلمات جامعه اثبات می‌کنند، از مترجم «تربیت نسوان» تذکره و وصافی خواهند نمود.»

به راستی، ترجمه و طبع چنین کتابی، به‌ویژه در تبریز آن روزی، «یکی از نوادر شجاعت‌های ادبی بود، همسنگ... ابرام در حرکت کره ارض در مجمع انکیزیتورهای نصاری.» (منظور سران دادگاه تفتیش عقاید است که گالیه را به جرم طرح فرضیه متحرک بودن زمین محاکمه می‌کردند.)

اما پس از عهد مشروطیت، نخستین کسی که موضوع حقوق زنان را پیش کشید، دهخدا، نویسنده روزنامه «صور اسرافیل»، بود. او در مقالات «چرند و پرند»، در چند جا، به این مطلب پرداخت و مساله ازدواج‌های اجباری و نابهنگام، ظلم و استبداد پدر و مادر و شوهر، تعدد زوجات و خرافات و تعصبات زنانه را با لحن طنز و طعن مورد بحث و انتقاد قرار داد.

همچنین، در آن زمان، سیداشرف‌الدین حسینی، مدیر روزنامه «نسیم شمال»، برخی از شعرهای خود را به تربیت و حقوق زنان و دختران ایرانی وقف کرد. ناگفته نماند که در دوران انقلاب مشروطه ایران، روزنامه «ملانصرالدین» قفقاز، در صفحات خود، جایگاه شایسته‌ای برای مساله زن و زنان شرق باز کرد که به روشن کردن افکار و ادامه این بحث در جراید و مطبوعات ایران کمک موثری می‌نمود. چندی نگذشت که روزنامه‌ها و مجلات زنانه در مطبوعات

فارسی پدید آمد. نخستین نشریه‌ای که به دست خود زنان برای بیدار کردن توده زنان منتشر شد، مجله «دانش» بود که آن را خانم دکتر حسین خان کحال، در سال ۱۲۸۹ش، در تهران بنیاد نهاد. پس از «دانش»، روزنامه مصور «شکوفه»، در سال ۱۲۹۱ش، در تهران انتشار یافت که مدیر آن خانم مزین السلطنه، رئیس مدرسه مزینیه، بود. در سال‌های نزدیک به کودتای رضاشاه، بر شمار مطبوعات بانوان افزوده شد. در اصفهان، بانو صدیقه دولت‌آبادی، خواهر حاجی میرزا یحیی دولت‌آبادی، در شهریور ۱۲۹۸ش، روزنامه «زبان زنان» را منتشر کرد و چون این کار بر مردم عوام متعصب گران افتاد، خانه‌اش را سنگسار کردند و او ناچار به تهران آمد و در خرداد ۱۳۰۰ش، آن را، به صورت مجله، دوباره در تهران انتشار داد.

در سال ۱۲۹۹ش، چند مجله دیگر از این قبیل در عالم مطبوعات پدید آمد. در مهرماه آن سال، مجله «عالم نسوان»، به همت شاگردان مدرسه زنان امریکائی تهران، منتشر گردید و ظاهراً دوازده سال، تا آبان ۱۳۱۱، دوام داشت. در هر شماره این مجله، شعر یا عبارتی، به نام شعار مخصوص، درج می‌شد.

در همان سال، «نامه بانوان»، به مدیریت شهناز آزاد، همسر ابوالقاسم آزاد مراغه‌ای، در تهران انتشار یافت. خانم شهناز از پیشقدمان جنبش بانوان بود و در این راه صدمات زیادی دید و خود و شوهرش به جرم رهبری جنبش آزادی زنان گرفتار حبس و زندان شدند.

و نیز در اواخر همان سال (بهمن ۱۲۹۹ش)، خانم فخرآفاق پارسا «جهان زنان» را در شهر مشهد دایر کرد و تنها چهار شماره از آن منتشر شده بود که دارنده آن به تهران آمد و شماره پنجم را در مهرماه ۱۳۰۰ش انتشار داد. مندرجات این شماره که چیزی جز لزوم آموزش و پرورش زنان نبود، غوغائی در تهران برپا کرد و جمعی آن را مخالف دین دانسته، مجازات نویسنده را خواستار شدند و سرانجام، خانم فخرآفاق و همسرش به اراک تبعید گردیدند.

روز دهم بهمن ماه ۱۳۰۱ش، خانم ملوک اسکندری، مدیر مدرسه شماره ۳۵ دولتی، از جمعی زنان برای حضور در جشن امتحانات شاگردان دعوت نمود و در آن جلسه نطق پرهیجانی ایراد و ترقیاتیات زنان ملل فاضل و زنده دنیا را با وضع زنان ایران مقایسه کرد و از بی‌حسی و پس‌افتادگی زنان ایرانی و از خطراتی که برای آینده ملت و مملکت در پیش است شکوه سر داد و زنان را به ترویج معارف تشویق نمود و در همان مجلس، زنان پیمان فداکاری بسته، جمعیتی به نام «جمعیت نسوان وطن‌خواه» به وجود آوردند و مجله‌ای به همان نام دایر کردند که از سال ۱۳۰۲ش منتشر شد و تا درگذشت بنیادگذار آن (تیرماه ۱۳۰۴ش) دایر بود.

در همه این جراید و مجلات، از آموزش و پرورش کودکان بحث می‌شد و مقاله‌هایی درباره خانه‌داری و کارهای بهداشتی و مانند آن‌ها درج می‌گردید؛ ولی هنوز زود بود که از موضوع آزادی زنان و روابط مرد و زن و الغای شرایط سخت زندگی زنان در اندرون‌خانه، آشکارا سخنی به میان آید.

حزب کمونیست ایران که در سال ۱۲۹۹ تاسیس شده بود، نه تنها از سازمان‌های پیش‌رو زنان حمایت می‌کرد، بلکه در اولین کنگره خود نیز خواست «منع کار شبانه برای نسوان و اطفال و مرخصی با مواجب برای زنان آبستن» را طرح کرده بود.

در دولت سوسیالیستی شوروی، زنان برای نخستین بار به صورت قانونی به برابری حقوقی دست یافته بودند. «فرقه دموکرات هم که در آذربایجان به قدرت رسید، حق رای زنان را به رسمیت شناخت و زنان برای کار مساوی با مردان، از دستمزد برابر برخوردار شدند.»

دوره پهلوی اول و سیاست اعمال کشف حجاب

در این دوره سیاست استفاده از زور برای از سر برگرختن حجاب سبب خشم و انزوای بسیاری از زنان خانواده‌های سنتی‌تر شد. بعضی از آنان از خروج از خانه به‌طورکلی خودداری کردند و نسبت به ایده‌های مدرن، اصلاحات و زنانی که از این حرکت پشتیبانی می‌کردند مظنون شدند. رفتار از سر اقتدار و اجبار رضا شاه، همچنان برآمده از تفکر مردسالارانه‌ای و حاکمیت دیکتاتوری بود که به زنان اجازه نمی‌دهد برای بدن‌شان تصمیم بگیرند و در واقع میان این دو اجبار تفاوتی نبود و در همچنان بر پاشنه سلب عاملیت از زنان می‌چرخید.

با افزایش کنترل دولت بر جامعه و شدت سرکوب، فعالیت سازمان‌های زنان محدودتر شد. سازمان‌های سوسیالیستی زنان منحل شده و بعضی فعالان زن، از جمله روشنگر نوح‌دوست، جمیله صدقی و شوکت روستا، اعضای مؤسس جمعیت «سعادت نسوان» رشت توسط پلیس دستگیر شدند. پلیس از کلیه ابزار ممکن برای مرعوب ساختن فعالان زن استفاده می‌کرد.

جمعیت قدیمی و متشکل «نسوان وطن‌خواه» آخرین سازمان مستقل زنان بود که تا ۱۳۱۷ به حیات خود ادامه داد. دو سال بعد، دولت وقت به چند تن از زنان تحصیل‌کرده و مرفه دستور داد «کانون بانوان» را پی ریزی کنند؛ کانونی که با اهدافی چون «بهبود آموزش اخلاقی و معنوی بانوان، ارائه راهنمایی در زمینه خانه داری و پرورش فرزند بر مبنای روش علمی، آموزش بدنی» و مانند آن در واقع در خدمت تثبیت نظام مردسالاری عمل می‌کرد و به‌عنوان یک سازمان خیریه دولتی جانشین سازمان‌های مستقل و مبارز فمینیستی می‌شد.

بعد از استقرار رضا شاه پهلوی، انجمن‌ها و نشریه‌های مستقل زنان که در زمان مشروطه و یا پس از آن تشکیل شده بودند، به تدریج تا سال ۱۳۱۱ بسته شده بودند و تنها یک انجمن خیریه به نام «کانون بانوان» در ایران اجازه فعالیت داشت، که آن هم زیر نظر رضا شاه بود.

حاکمیت پهلوی دوم

پس از انحلال سازمان دولتی «کانون بانوان»، چندین جمعیت زنان، از قبیل «حزب زنان شفیقه فیروز» و «جمعیت زنان»، دوباره با رهبری همان زنان آگاه، اعلام موجودیت کرده و بعضی از آن‌ها به انتشار نشریات خود دست زدند، از جمله، نشریه «زنان ایران» که کسب حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در مشاغل سیاسی از جمله اهداف مهم آن بود. شاید بتوان گفت که سازمان‌های زنان در این دوره به‌طور کلی رادیکال‌تر از دوره‌های قبل بودند؛ هر چند که تقریباً هیچ‌کدام مستقل از احزاب سیاسی وقت نبودند و توسط زنان دارای امتیاز و مرفه گردانده می‌شدند که خود باعث نادیده‌انگاری تکثر و مسائل زنانی از طبقات دیگر جامعه و غیر مرکز نشین می‌شد.

حقوق قانونی زن و مرد در خانواده که در چارچوب فقه شیعه در سال‌های ۱۳۰۷ و ۱۳۰۸ شمسی در قانون مدنی پهلوی اول مدون شده بود، تا اوایل دهه ۱۳۴۰ شمسی، تقریباً بدون تغییر مانده بود. بعدتر قانون حمایت از خانواده تصویب شد که مواد موجود در قانون مدنی و فقه اسلامی را کاملاً تغییر نداده بود، اما در این دوره با کمی تغییر به سود زنان پذیرفته شد که نتیجه تلاش‌های گروه‌های پراکنده زنان بود.



صحنه‌ای دیگر از تظاهرات زنان در اعتراض به حجاب اجباری در روز جهانی زن در سال ۱۳۵۷

انقلاب ۵۷، دیکتاتوری خمینی و جنسیت‌زدگی

در همان روزهای آغازین انقلاب سفید در سال ۱۳۴۱ به دستور خمینی ۹ تن از علما طی بیانیه‌ای دخالت زنان در انتخابات را محکوم کردند.

متأسفانه برخی نیروهای چپ آن زمان نیز بحث درباره حقوق و موقعیت زنان را به بعد از پیروزی انقلاب موکول کرده بودند، ایدئولوگ‌های اسلامی، بحث حقوق زنان را در دستور کار خود قرار داده و حول آن فعالین زن و مرد را در مقابله با سیاست‌های تجددگرای فرهنگی، اجتماعی و برابری‌خواهانه بسیج می‌کردند.

نیروهای سیاسی وقت با فردیت زن و صدای مستقل و خودمختاری زنان مخالف بودند و این بافت فرهنگی تاریخ‌مند که مبتنی بر اتوریته مرد و فرمان‌بری زن بود، در سازمان‌دهی استراتژی و عمل انقلابی روشنفکران فعال درباره جنبش زنان تعیین‌کننده بود. اکثریت فعالان زن نیز زیر بار این فرهنگ، ارزش‌ها و گفتمان مردانه‌ی مقتدر رفتند و در نتیجه، نتوانستند درک کنند که برابری جنسیتی و دموکراتیزه شدن روابط انسان‌ها پیش‌شرط جامعه دموکراتیکی بود که آن‌ها قصد بنای آن را داشتند.

۸ مارچ ۵۷؛ نخستین اعتراض رادیکال به حکومت تازه به قدرت رسیده به رهبری خمینی از سوی زنان

هشت مارچ/۱۷ اسفند ۱۳۵۷ نقطه عطف بسیار مهمی در تاریخ انقلاب و جنبش‌های زنان است، از این‌رو که زنان نه تنها عامل اولین کشمکش سیاسی پس از انقلاب شدند، بلکه با به راه‌انداختن نخستین مخالفت رادیکال با رهبر خودکامه انقلاب، برای اولین بار اقتدار او را به شدت به چالش کشیدند.

در اجباری کردن حجاب برای زنان، هدف خمینی علاوه بر انقیاد زنان، استقرار مجدد نماد هویت اسلامی و تداوم فرهنگی آن بود. از سوی دیگر اعتراض زنان، نشانگر اراده آن‌ها برای مقاومت علیه جریان حکومت نوظهور اسلامی بود که قدرت می‌گرفت.

رویداد هشتم مارچ ۵۷ نویدبخش پیدایش نخستین جنبش مستقل و نیرومند زنان در تاریخ نوین ایران بود. جنبش زنان به‌عنوان نیروی سیاسی با خواست مشخص برابری‌طلبانه و آزادی‌خواهانه و عدالت‌جویانه در حال ظهور بود، و برای اولین بار هیچ سازمان یا حزب سیاسی‌ای نمی‌توانست بسیج زنان را به خود منتصب کند. این امر، در تاریخ نوین ایران پس از مشروطه بی‌سابقه بود.

اما جامعه مردان روشنفکران سکولار از این جنبش اعتراضی عدالت‌جویانه پشتیبانی نکرد. بسیاری از زنان ملی‌گرا و چپ و لیبرال که راهپیمایی‌های اعتراضی را به راه انداخته بودند، ترسیدند که جنبش ضد حجاب اهداف «مهم‌تر» انقلاب ضدامپریالیستی را به‌خطر اندازد و بنابراین، هر روز از جمعیت حاضر در اعتراضات کاسته می‌شد.

در طول حکومت‌های پهلوی فعالیت مستقل زنان همچون فعالیت سازمان‌های مخالف این حکومت‌ها، سرکوب شدند. ۱۷ اسفندماه ۱۳۵۷، زنانی که همراه با مردان در صف انقلاب علیه نظام شاهنشاهی حاضر بودند و وعده‌های آیت‌الله خمینی در نوفل‌لوشاتو را شنیده بودند - وعده‌هایی چون «در حکومت اسلامی بین زن و مرد تفاوتی وجود ندارد و مساوات برقرار است» و «زنان در جمهوری اسلامی از آزادی‌های بیشتری برخوردار خواهند بود» - در زیر بارش سنگین برف، به خیابان‌ها آمده بودند، مانند همیشه مقاوم و متحد، اما این‌بار نه در تقابل با سلطنت که در تقابل با محدودیت‌ها و قوانین ضد زن در نظام جدیدی که تازه داشت شکل می‌گرفت. هنوز یک ماهی از انقلاب نمی‌گذشت که بهار آزادی برای زنان جایش را به زمستان ارتجاعی داده بود.

۲۷ بهمن ۱۳۵۷، تظاهرات گروهی از کارگران، دانشجویان و نظامیان انقلابی علیه انتصاب‌های ارتش. در این تظاهرات، شمار زیادی از زنان بی‌حجاب، شرکت داشتند.

۶ اسفند ۵۷، گردهمایی «جمعیت بیداری زنان» در دانشگاه فارابی. اعضای جمعیت در اطلاعیه‌های خود روز زن را، ۱۷ اسفند برابر با ۸ مارچ تعیین کرده و ۱۷ دی را که از طرف حکومت شاه روز آزادی زن اعلام شده بود، مردود شمردند. همچنین در این گردهمایی بر «مزد مساوی در برابر کار مساوی زنان و مردان»، «مهدکودک رایگان برای همه» و «لغو قوانین پوسیده و ارتجاعی و تشکیل سازمان مستقل و مبارز زنان» تاکید شد.

۱۳ اسفند ۱۳۵۷، سخنرانی آیت‌الله خمینی در جمع زنان قم:

«زنان باید در امور اساسی کشور دخالت کنند... زن در اسلام حق طلاق دارد... در این نهضت زنان حق بیشتری از مردان دارند. زنان، مردان شجاع را در دامان خود، بزرگ می‌کنند. قرآن کریم، انسان‌ساز است و زنان نیز انسان‌ساز. اگر زنان شجاع و انسان‌ساز از ملت‌ها گرفته شوند ملت‌ها گرفته شوند، ملت‌ها به شکست و انحطاط کشیدن می‌شوند. قوانین اسلام، همه به صلاح زن و مرد است... مسئله‌ای باید توجه داشته باشید این است که زنان زمانی که می‌خواهند ازدواج کنند از همان اول می‌توانند اختیاراتی برای خودشان قرار دهند که نه مخالف شرع باشد و نه مخالف حیثیت خودشان. مثلاً می‌توانند از اول، شرط کنند که اگر چنانچه مرد، فساد اخلاق داشت و یا اگر بد رفتاری با زن کرد، زن، وکیل باشد در طلاق.»

۱۶ اسفند ۱۳۵۷، آیت‌الله خمینی گفت: «زن‌ها باید با حجاب شرعی به وزارتخانه‌ها بروند.»

خمینی گفت: «الان وزارتخانه‌ها آن‌طوری که برای من نقل می‌کنند باز همان صورت زمان طاغوت را دارد. در وزارتخانه اسلامی نباید معصیت بشود. در وزارتخانه‌های اسلامی نباید زن‌های لخت بیایند زن‌ها بروند اما با حجاب باشند. مانعی ندارد، بروند کار بکنند لیکن با حجاب شرعی باشند. در حفظ جهات شرعی باشند.»

در اعتراض به اجباری شدن حجاب اسلامی در ادارات، کارکنان بیمارچنان‌های به‌آور و بیمارچنان هزار تخت‌خوابی اعلام کردند اگر تصمیم قاطع و قانع‌کننده‌ای در خصوص آزادی حجاب گرفته نشود، آنان نمی‌توانند سرکار حاضر شوند.

کارکنان زن مخابرات در رابطه با مسئله حجاب اجباری دست به تجمع زدند.

برگزاری مراسم روز زن در دانشگاه تهران از طرف «جمعیت بیداری زن» و «اتحادیه انقلابی زنان مبارز». در این جلسه خواست‌های زنان سراسر کشور که در قلمرو حقوق کامل و مساوی اجتماعی، دستمزد مساوی در برابر کار مساوی، کنترل زنان بر بارداری، حق طلاق و بهره‌گیری از مهدکودک رایگان قرار دارد، مطرح شد. ده‌ها هزار نفر از زنان که نگران سلطه قوانین بنیادگرای اسلامی بودند، روز پنجشنبه ۱۷ اسفندماه ۱۳۵۷، زیر بارش برف در خیابان‌های تهران دست به تظاهرات زدند. آنان به اجباری شدن حجاب در ادارات، لغو قانون حمایت از خانواده و محدودیت‌های اجتماعی وضع شده، اعتراض داشتند.

تظاهرات با مقابله گروهی از افراد کمیته‌های اسلامی و هواداران تندروی خمینی، به خشونت کشیده شد. در میدان ولیعهد (ولیعصر فعلی) با سنگ به زنان بی‌حجاب حمله شد، در خیابان‌های روی زن‌ها رنگ پاشیدند و با شعار «یا روسری- یا توسری» آنان را تهدید کردند. زنان پس از دو روز راهپیمایی پیاپی در ۱۷ و ۱۸ اسفندماه، اعلام کردند تا شنبه ۱۹ اسفندماه در وزارت دادگستری تجمع خواهند داشت. حکومت جدید به‌ظاهر عقب‌نشینی کرد. قانون اجباری شدن حجاب در ادارات معلق و قانون حمایت از خانواده نیز ادامه یافت و همچنین دفتر آیت‌الله خمینی حمله به زنان معترض را محکوم کرد. اما عمر این عقب‌نشینی‌ها، کوتاه بود و آزادی‌های زنان روزبه‌روز کمتر شد. آنچه زنان ایران را به‌طور ویژه به ۸ مارچ پیوند داد مبارزه علیه حجاب اجباری تحمیلی حکومت جمهوری اسلامی بود؛ مبارزه‌ای که همچنان ادامه دارد و زندگی و جان نسل‌های مختلف زنان را تحت تاثیر قرار داده است.



خشونت علیه زنان در ایران و جهان به روایت آمار

آمارهای رسمی در ایران نشان می‌دهد که سالانه به‌طور متوسط بیش از ۷۴ هزار زن برای معاینات جسمی همسرآزاری به مراکز پزشکی قانونی مراجعه می‌کنند؛ به عبارتی از هر ۳۰۰ زن متأهل در ایران، یکی برای شکایت از همسرآزاری به سازمان پزشکی قانونی مراجعه می‌کند، اما همه موارد این چنین نیستند. برآوردها نشان می‌دهد که موارد واقعی خشونت خانگی علیه زنان در ایران تقریباً ۱۰۰ برابر این رقم است.

آخرین آمار موجود در بخش داده‌های جنسیتی بانک جهانی، حکایت از آن دارد که نزدیک به یک‌سوم زنان در ایران خشونت از سوی شریک زندگی خود را تجربه می‌کنند. این رقم بعد از افغانستان و ترکیه، بالاترین آمار خشونت علیه زنان در میان کشورهای منطقه است. لازم به ذکر است داده‌های بسیاری از کشورهای منطقه، از جمله کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس در دسترس نیستند.

برآورده‌های زنان ملل متحد، نهاد سازمان ملل برای برابری جنسیتی، نشان می‌دهد که در سال ۲۰۲۲ میلادی دست‌کم ۴۸ هزار و ۸۰۰ زن در سراسر جهان توسط همسر یا شریک جنسی خود به قتل رسیده‌اند. به‌عبارتی، روزانه ۱۳۳ زن یا هر ساعت دست‌کم پنج زن در سراسر جهان قربانی زن‌کشی می‌شوند.

بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که در ۵۵ درصد موارد قتل زنان، قاتل همسر یا شریک جنسی بوده است در حالی که این نسبت برای مردان تنها ۱۲ درصد است.

در ایران نهادهای رسمی آمار دقیقی از همسرکشی ارائه و منتشر نمی‌کنند، اما روزنامه‌های ایران در بازه‌های زمانی مختلف، گزارش‌هایی بر اساس اخبار منتشر می‌کنند. به‌عنوان نمونه روزنامه شرق در تابستان ۱۴۰۳ با بررسی گزارش‌های خبری منتشر شده در صفحه حوادث روزنامه‌ها و سایت‌های خبری، اعلام کرده بود که در فاصله خرداد ۱۴۰۰ تا خرداد ۱۴۰۲، دست‌کم ۱۶۵ زن‌کشی در ایران اتفاق افتاده که در دو سوم این موارد، همسر و در یک پنجم موارد پدر و برادر قاتل بوده‌اند. (رادیو فردا)

آزار و خشونت جنسی

بر اساس برآوردهای زنان ملل متحد، از هر سه زن در جهان یکی تحت خشونت جنسی قرار دارد؛ خشونتی که در اکثر مواقع از سوی همسر یا شریک جنسی به زنان تحمیل می‌شود. در مجموعه داده‌های بین‌المللی، آماری از وضعیت ایران از نظر این شاخص در دست نیست. در مطالعات پراکنده روی موضوع تجاوز و آزار جنسی نیز، بر این نکته تأکید شده که موارد آزار و تجاوز جنسی در ایران گزارش نمی‌شوند؛ با این حال در صفحه پروفایل ایران در سایت UN Women به تحقیقی در سال ۲۰۱۸ اشاره شده که بر اساس آن ۱۸ درصد زنان ۱۵ تا ۴۹ سال اعلام کرده‌اند که طی ۱۲ ماه منتهی به آمارگیری، دست‌کم یک بار خشونت جنسی را تجربه کرده‌اند. همچنین ۲۲/۵ درصد دختران بالای ۱۵ سال اعلام کرده‌اند که با اعمال زور مجبور به انجام کارهای خانگی بدون مزد شده‌اند. این نسبت در مردان کمتر از پنج درصد بوده است.

اجبار به ازدواج و فرزندآوری

«زنان ملل متحد»، نهاد سازمان ملل متحد برای برابری جنسیتی، یکی از مصادیق خشونت علیه زنان را اجبار به ازدواج و فرزندآوری می‌داند.

مرکز آمار ایران از ابتدای سال ۱۴۰۲ انتشار آمار تولد به تفکیک گروه سنی مادر را متوقف کرده است، اما آمارهای موجود نشان می‌دهد که در فاصله سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱ سالانه به‌طور متوسط هزار و ۴۳۸ تولد در ایران ثبت شده که سن مادر کمتر از ۱۵ سال بوده است.

طبق قانون مدنی ایران، ازدواج دختران زیر ۱۳ سال مگر با اجازه و تشخیص دادگاه مجاز است، اما محاسبه آخرین داده‌های خام سازمان ثبت احوال در سال ۹۹ نشان می‌دهد که در آن سال ۷۶۷ مورد ازدواج زیر ۱۳ سال با اجازه رسمی دادگاه در سراسر ایران به ثبت رسمی رسیده است.

اگر بر اساس معیارهای بین‌المللی مبنای کودک‌همسری را سن ۱۸ سال در نظر بگیریم، طبق آخرین آمار، بیش از یکم پنجم ازدواج‌های ثبت‌شده در ایران مصداق «کودک‌همسری» محسوب می‌شوند. به این معنی که از حدود ۵۵۷ هزار ازدواج ثبت‌شده در سال ۹۹، در ۱۱۸ هزار مورد سن عروس کمتر از ۱۸ سال بوده است.

آخرین اطلاعات مرکز آمار ایران گویای وخامت اوضاع در زمینه زنان و خشونت‌های اعمال شده علیه آنان در جامعه است. چراکه تنها در فصل بهار سال ۱۴۰۳ مجموع ۱۶ هزار و ۲۶۴ نفر به دلیل همسرآزاری توسط سازمان پزشکی قانونی معاینه شده‌اند که از این رقم ۱۵ هزار و ۷۶۴ مورد یعنی ۹۶ درصد آن به زنان اختصاص داشته است.

این آمار در شرایطی است که هنوز بسیاری از زنان در معرض خشونت، آسیب‌های ناشی از آن را با هیچ نهاد و دستگاهی مطرح نمی‌کنند و حتی در صورت طرح آن، احتمالاً کار به ثبت آن در پزشکی قانونی کشیده نمی‌شود.

زن‌کشی، فاجعه‌ای که در ایران ادامه دارد

در حالی که مجلس جمهوری اسلامی، همچنان از تصویب لایحه‌ای که قرار است از خشونت علیه زنان جلوگیری کند طفره می‌رود، آمار هولناک قتل‌های ناموسی و خشونت خانگی در ایران، چهره‌ای تلخ از واقعیت را آشکار می‌کند. در طی فقط ۱۲ روز، حداقل هفت زن در شهرهای مختلف ایران قربانی زن‌کشی و خشونت‌های بی‌رحمانه به دست نزدیک‌ترین افراد زندگی‌شان، یعنی همسر یا پدرشان، شدند. این موارد بحران مستمر خشونت جنسیتی را نمایان می‌سازند، بحرانی که توسط قوانین زن‌ستیزانه رژیم ایران تقویت و نهادینه شده است.

تهران، ۲۸ بهمن ۱۴۰۳، نجیبه حسن‌خانی، زن ۴۰ ساله، توسط همسر خود به بهانه توافق بر سر طلاق به محل وقوع جنایت کشانده شد و در خودروی شخصی‌اش به آتش کشیده شد. او پس از انتقال به بیمارستان به دلیل شدت جراحات جان خود را از دست داد.

کرماتشاه، ۲۹ بهمن ۱۴۰۳، دنیا حسینی، زن ۲۳ ساله، یک روز پس از بازگشت به خانه پدری، با ضربات چاقوی پدرش به قتل رسید. او پیش‌تر از همسرش طلاق گرفته بود و این قتل با انگیزه ناموسی انجام شد.

قزوین، ۲ اسفند ۱۴۰۳، زنی دیگر توسط همسرش با اتومبیل زیر گرفته شد و پس از انتقال به بیمارستان جان باخت.

گرگان، ۳ اسفند ۱۴۰۳، یک زن ساکن یکی از شهرک‌های این شهر با ضربات چاقوی همسرش به قتل رسید.

گرگان، ۴ اسفند ۱۴۰۳، آرزو کمی، مادر دو فرزند، به دست همسرش با ضربات چاقو به قتل رسید.

جهرم، ۹ اسفند ۱۴۰۳، دلارا جهان‌دیده، ۳۸ ساله، پس از دو روز بستری بودن در بیمارستان، به دلیل شکستگی جمجمه ناشی از ضربات چوب توسط همسرش جان خود را از دست داد. این زن پیش‌تر بارها توسط همسرش تهدید به مرگ شده بود، اما هیچ اقدام قانونی موثری برای حفظ جان او انجام نشد.

فردیس کرج، ۹ اسفند ۱۴۰۳، یک زن توسط همسرش از طریق ضربات وارده با گوشت‌کوب به قتل رسید. این قتل که توسط سایت حکومتی رکنا گزارش شده حاوی جزئیات بیشتر در مورد سن مقتول و انگیزه قاتل نیست.

این موارد هولناک زن‌کشی بحران فزاینده خشونت در ایران را برجسته می‌کنند. کاستی‌های نظام‌مند قانونی به مجرمان اجازه می‌دهد بدون مجازات به اعمال خود ادامه دهند. به‌ویژه، ماده ۶۱۲ قانون مجازات رژیم اغلب از مجرمان - به‌خصوص پدران، برادران و همسران- در برابر مجازات‌های سنگین محافظت می‌کند و چرخه‌ای از بی‌عدالتی را تداوم می‌بخشد. ناتوانی مداوم در اجرای قوانین حمایتی قوی، نه تنها جان بی‌شمار زن را به خطر می‌اندازد، بلکه فرهنگی را تقویت می‌کند که در آن قتل‌های ناموسی و زن‌کشی همچنان بدون کنترل باقی می‌مانند.

مخالفان حجاب اجباری دست‌کم ۳۳۰ میلیون تومان جریمه می‌شوند

در پی نهای شدن قانون سرکوب مخالفان حجاب اجباری، موسوم به قانون «حجاب و عفاف»، و ابلاغ احتمالی آن به دولت چهاردهم، طرفداران پوشش اختیاری دست‌کم تا ۳۳۰ میلیون تومان جریمه خواهند شد.

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، روز شنبه ۱۰ آذر در نشست خبری اعلام کرد قانون اعمال حجاب اجباری، موسوم به «حجاب و عفاف»، روز ۲۳ آذر به دولت ابلاغ خواهد شد.

این قانون که در ۷۴ ماده و در ۵ فصل تنظیم شده، پس از رفت و آمدهای متعدد میان مجلس، شورای نگهبان و همچنین مجمع تشخیص مصلحت نظام جمهوری اسلامی، نهای شده است.

بر پایه این قانون، زنانی که «در فضای حقیقی یا مجازی» بیش از چهار بار بدون حجاب اجباری ظاهر شوند، با اتهاماتی از قبیل آن چه «ترویج یا تبلیغ برهنگی، بی‌عفتی، کشف حجاب یا بدپوششی» نامیده شده است، مواجه می‌شوند و دست‌کم به پرداخت جریمه‌ای ۳۳۰ میلیون تومانی محکوم خواهند شد.

این مجازات، «به تشخیص مقام قضائی» شامل «ممنوعیت خروج از کشور تا دو سال» و «ممنوعیت فعالیت در فضای مجازی از شش ماه تا دو سال» را هم شامل خواهد شد و «در مراتب بعدی» جزای نقدی با «یک درجه تشدید» به ۵۰۰ میلیون تومان افزایش خواهد یافت.

بر پایه جدول جریمه‌های درجه یک تا درجه هشت قانون مجازات اسلامی که در رسانه‌ها منتشر شده است، تکرار بیش از چهار بار حضور بدون حجاب اجباری مورد نظر جمهوری اسلامی، منجر به مجازات جزای نقدی درجه چهار (تا ۳۳۰ میلیون تومان) می‌شود و «یک درجه تشدید» به معنای افزایش جزای نقدی به درجه ۳ (تا ۵۰۰ میلیون تومان) خواهد بود.

زنان موافق پوشش اختیاری، در چهار بار نخست حضور بدون حجاب اجباری «در انظار عمومی»، به جزای نقدی از پنج تا ۱۶۵ میلیون تومان محکوم می‌شوند.

به این ترتیب، حکومت ایران با قانون موسوم به «عفاف و حجاب»، و سنگین‌تر کردن مقدار جریمه نقدی برای تکرار حضور بدون حجاب اجباری و پوشش مدنظر مقامات جمهوری اسلامی، با زنان و مردان طرفدار حق انتخاب پوشش مقابله می‌کند.

از سوی دیگر، بر پایه ماده ۷۱ این قانون، دولت موظف است برای تامین دوربین‌های این طرح، بودجه‌ای سالانه به فرماندهی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی تخصیص دهد.

در بخشی از این قانون، طراحی یا تبلیغ مواردی از قبیل لباس، پیکره و اسباب‌بازی هم در صورتی که به ادعای نویسندگان، «مروج برهنگی» و «کشف حجاب و بدپوششی» باشد، جرم شناخته می‌شود و با مجازات‌های نقدی و تکمیلی مواجه خواهد شد.

بر اساس این قانون، حضور مخالفان حجاب اجباری در فضای حقیقی یا مجازی منجر به صدور مجازات از جمله برای صاحبان کسب‌وکارهای مجازی و غیرمجازی، گردانندگان گروه‌ها و تورها و اردوها و سکویهای انتشار صوت یا تصویر در فضای مجازی هم می‌شود.

این در حالی‌ست که پلمب واحدهای صنفی در ماه‌های گذشته از جمله ابزارهای جمهوری اسلامی برای تحمیل «حجاب اجباری» در جامعه بوده است.

از سوی دیگر، براساس ماده ۶۶ این قانون، اگر یک کودک ۱۳ ساله، در حمال‌کاری خود در شبکه اجتماعی، دو مرتبه یا بیشتر، حجاب اجباری مورد نظر جمهوری اسلامی را مسخره کند، به تشخیص قاضی، به حبس از ۳ ماه تا یک سال در «کانون اصلاح و تربیت»، پرداخت ۳۳۰ تا ۵۰۰ میلیون تومان جریمه و یا اقدامات تامینی و تربیتی دیگر محکوم خواهد شد.

به دنبال کشته‌شدن مهسا امینی در بازداشت گشت ارشاد در شهریور سال ۱۴۰۱ که به شکل‌گیری بزرگترین اعتراضات سراسری علیه جمهوری اسلامی منجر شد، زنان و دختران در ایران با پافشاری بر حق انتخاب پوشش، به‌طور روزافزونی به حضور بدون حجاب اجباری در فضاهای عمومی و مجازی پرداخته‌اند.

اقدامات حکومت ایران برای اعمال حجاب اجباری در دو سال گذشته نیز تاکنون بی‌ثمر مانده است.

از سوی دیگر، سرکوب زنان به بهانه حجاب اجباری از سوی جمهوری اسلامی، انتقادهای گسترده بین‌المللی را در پی داشته است.

در آخرین مورد از این انتقادات، نمایندگان پارلمان اروپا روز ۸ آذر با تصویب قطع‌نامه‌ای خواستار لغو «قوانین تبعیض آمیز» حکومت ایران علیه زنان و دختران ایرانی شدند.

آن‌ها با انتقاد از قانون «عفاف و حجاب» تاکید کردند که سرکوب زنان به وسیله حکومت ایران می‌تواند به «آپارتاید جنسیتی» تبدیل شود و از مقامات جمهوری اسلامی ایران خواستند «گشت ارشاد» و دیگر «نهادهای سرکوبگر» را منحل کنند.

مای ساتو، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر ایران، هم در گزارشی در روز ۱۱ آبان، از بدتر شدن وضعیت حقوق بشری زنان و دختران در ایران خبر داد.

کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل متحد هم به مناسبت دومین سالگرد کشته شدن مهسا (ژینا) امینی در بازداشت گشت ارشاد هشدار داد که جمهوری اسلامی تلاش‌های خود را برای سرکوب حقوق بنیادین زنان و دختران و «نابودی باقی‌مانده‌های فعالیت‌های زنان» تشدید کرده است.

گزارش سالانه سازمان «دیدهبان حقوق بشر»

در ۲۷ دی ۱۴۰۳، درباره وضعیت حقوق بشر حدود ۱۰۰ کشور جهان از جمله ایران منتشر شد. در گزارش مربوط به ایران بیان شده که حکومت ایران در سال ۲۰۲۴، همچنان به سرکوب ناراضیان ادامه داده است. ده‌ها فعال حقوق بشر، وکیل و دانشجو در این سال بازداشت شدند. همچنین حکومت خانواده‌های دادخواه را که فرزندان‌شان در جریان اعتراضات سال ۱۴۰۱ کشته یا اعدام شده‌اند، هدف قرار داد.

دیدهبان حقوق بشر در این بیانیه خود، به تشدید سرکوب اقلیت دینی بهائی به‌خصوص زنان بهائی در سال ۲۰۲۴ اشاره کرده است که بنا به گزارش‌ها، ده‌ها بهائی در سال گذشته میلادی بازداشت، محاکمه و به زندان محکوم شده‌اند.

دیدهبان حقوق بشر چند دهه سرکوب سیستماتیک بهائیان و محرومیت آنان از حقوق اساسی را به‌منزله جنایت علیه بشریت نامیده است.

در ۴ مهر ۱۴۰۰، نتایج تحقیقات انجام شده توسط گروه پزشکی دانشگاه تهران در ایران منتشر شد. این تحقیق ۵۳۱۷ زن را در طول دوره مورد بررسی قرار داد و نشان داد که ۷۷ درصد از این زنان یک بار خشونت زناشویی را در طول همگیری کرونا تجربه کرده‌اند. همچنین بیانگر افزایش ۴۶ درصدی خشونت‌های زناشویی در پنج شهر بزرگ ایران در زمان کرونا بود. حدود ۹۰ درصد خشونت‌های گزارش شده روانی، ۶۵ درصد فیزیکی و ۴۲ درصد جنسی است. اکثر قربانیان زنان بسیار جوان، بی‌سواد و از نظر مالی به شوهران خود وابسته بوده‌اند.

در مجموع، در سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۱، آمار زن‌کشی در ایران افزایش یافته است. قتل باور نکردنی دختر ۱۳ ساله‌ای به نام رومینا اشرفی که با دوست پسرش در روستائی کوچک در حال فرار از خانه بود، یکی از بدترین آن‌ها بود. این قتل در تابستان ۲۰۲۰ اتفاق افتاد و او توسط پدرش با استفاده از یک ابزار مزرعه در هنگام خواب کشته شد.

ریحانه عامری، دختری ۱۶ ساله، یکی دیگر از قربانیان این خشونت‌هاست که با برخورد یک لوله آهنی به سرش، توسط پدرش کشته شد. او به این دلیل کشته شد که شب حادثه دیر به خانه برگشته بود. البته تحقیقات نشان دادند که پدرش از دو سال قبل او را به قتل تهدید کرده بود، اما کسی توجهی به آن نداشت.

متأسفانه، اگرچه در هر دو مورد این قتل‌ها، پدران مقصر هستند، اما قانون خانواده ایران از پدران حمایت می‌کند، حتی اگر فرزندان خود را بکشند.

در آخرین مورد، گروهی متشکل از ۱۸ کارشناس حقوق بشر سازمان ملل متحد با انتشار بیانیه‌ای نسبت به افزایش سرکوب‌های چند جانبه علیه زنان بهائی در ایران هشدار دادند و نوشتند: «افزایش شدید سرکوب‌ها علیه زنان بهائی در بستر گسترده‌تر هدف قرار دادن زنان در ایران و چالش‌های مربوط به برابری جنسیتی، نمایانگر بحرانی نگران‌کننده است.» در این بیانیه عنوان شده که این سرکوب‌ها گروهی از افراد را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد که به‌دلیل پیروی از آئین بهائی و به‌دلیل زن بودن با تبعیض و سرکوب مضاعف مواجه هستند.



تبلیغ چند همسری: عکس از یک برنامه تلویزیونی جمهوری اسلامی ایران

اخیرا روزنامه «بهار» گزارشی در باره شمار مردانی که چند همسر دارند در ایران منتشر کرده است. بخش عمده این گزارش گفت‌وگو و مصاحبه است. در لابلای این گزارش، آماری منتشر یافته که حائز اهمیت است: «چندهمسری عمدتا در استان‌هایی مانند کرمان، سیستان و بلوچستان، گلستان، کردستان و خراسان جنوبی مشاهده می‌شود و در شهرهای بزرگ و پیشرفته ایران چند همسری وسعت ندارد و بسیار محدود است. بر اساس آمار رسمی سال ۱۴۰۱، حدود ۵/۱ درصد از ازدواج‌های ثبت شده در ایران شامل ازدواج مجدد در عین داشتن یک همسر دیگر است. یعنی تقریبا ۳۰۰ هزار مرد ایرانی نه یک همسر بلکه چند همسر دارند. در این گزارش اشاره نشده است که سیمای جمهوری اسلامی در بسیاری از برنامه‌هایش به امید زاد و لد بیش‌تر در ایران، چند همسری را تبلیغ و تشویق می‌کند. از جمله عکسی که در بالا دیدید از یک برنامه تلویزیونی برای تشویق چند همسری است.

آخرین آمار موجود در بخش داده‌های جنسیتی بانک جهانی، حکایت از آن دارد که نزدیک به یک‌سوم زنان بالای ۱۵ سال در ایران، خشونت از سوی شریک زندگی خود را تجربه می‌کنند.

پنجم آذر ۱۴۰۳، مصادف با ۲۵ نوامبر، روز بین‌المللی «مبارزه با خشونت علیه زنان» است. گروه داده‌کاوی رادیو فردا به این بهانه به بررسی چهار شاخص پرداخته و ابعاد خشونت علیه زنان در ایران و جهان را در قالب شش نمودار به تصویر کشیده است.

خشونت خانگی علیه زنان

آمارهای رسمی در ایران نشان می‌دهد که سالانه به طور متوسط بیش از ۷۴ هزار زن برای معاینات جسمی همسرآزاری به مراکز پزشکی قانونی مراجعه می‌کنند؛ به عبارتی از هر ۳۰۰ زن متاهل در ایران، یکی برای شکایت از همسرآزاری به سازمان پزشکی قانونی مراجعه می‌کند، اما همه موارد این چنین نیستند. برآوردها نشان می‌دهد که موارد واقعی خشونت خانگی علیه زنان در ایران تقریبا ۱۰۰ برابر این رقم است.

آخرین آمار موجود در بخش داده‌های جنسیتی بانک جهانی، حکایت از آن دارد که نزدیک به یک‌سوم زنان در ایران خشونت از سوی شریک زندگی خود را تجربه می‌کنند. این رقم بعد از افغانستان و ترکیه، بالاترین آمار خشونت علیه زنان در میان کشورهای منطقه است. لازم به ذکر است داده‌های بسیاری از کشورهای منطقه، از جمله کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس در دسترس نیستند.

برآوردهای زنان ملل متحد، نهاد سازمان ملل برای برابری جنسیتی، نشان می‌دهد که در سال ۲۰۲۲ میلادی دست‌کم ۴۸ هزار و ۸۰۰ زن در سراسر جهان توسط همسر یا شریک جنسی خود به قتل رسیده‌اند. به عبارتی، روزانه ۱۳۳ زن یا هر ساعت دست‌کم پنج زن در سراسر جهان قربانی زن‌کشی می‌شوند.

بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که در ۵۵ درصد موارد قتل زنان، قاتل همسر یا شریک جنسی بوده است در حالی که این نسبت برای مردان تنها ۱۲ درصد است.

در ایران نهادهای رسمی آمار دقیقی از همسرکشی ارائه و منتشر نمی‌کنند، اما روزنامه‌های ایران در بازه‌های زمانی مختلف، گزارش‌هایی بر اساس اخبار منتشر می‌کنند. به‌عنوان نمونه روزنامه شرق در تابستان ۱۴۰۳ با بررسی گزارش‌های خبری منتشر شده در صفحه حوادث روزنامه‌ها و سایت‌های خبری، اعلام کرده بود که در فاصله خرداد ۱۴۰۰ تا خرداد ۱۴۰۲، دست‌کم ۱۶۵ زن‌کشی در ایران اتفاق افتاده که در دو سوم این موارد، همسر و در یک پنجم موارد پدر و برادر قاتل بوده‌اند.

آزار و خشونت جنسی

بر اساس برآوردهای زنان ملل متحد، از هر سه زن در جهان یکی تحت خشونت جنسی قرار دارد؛ خشونتی که در اکثر مواقع از سوی همسر یا شریک جنسی به زنان تحمیل می‌شود. در مجموعه داده‌های بین‌المللی، آماری از وضعیت ایران از نظر این شاخص در دست نیست. در مطالعات پراکنده روی موضوع تجاوز و آزار جنسی نیز، بر این نکته تأکید شده که موارد آزار و تجاوز جنسی در ایران گزارش نمی‌شوند؛ با این حال در صفحه پروفایل ایران در سایت UN Women به تحقیقی در سال ۲۰۱۸ اشاره شده که بر اساس آن ۱۸ درصد زنان ۱۵ تا ۴۹ سال اعلام کرده‌اند که طی ۱۲ ماه منتهی به آمارگیری، دست‌کم یک بار خشونت جنسی را تجربه کرده‌اند. همچنین ۲۲/۵ درصد دختران بالای ۱۵ سال اعلام کرده‌اند که با اعمال زور مجبور به انجام کارهای خانگی بدون مزد شده‌اند. این نسبت در مردان کمتر از پنج درصد بوده است.

اجبار به ازدواج و فرزندآوری

«زنان ملل متحد»، نهاد سازمان ملل متحد برای برابری جنسیتی، یکی از مصادیق خشونت علیه زنان را اجبار به ازدواج و فرزندآوری می‌داند.

مرکز آمار ایران از ابتدای سال ۱۴۰۲ انتشار آمار تولد به تفکیک گروه سنی مادر را متوقف کرده است، اما آمارهای موجود نشان می‌دهد که در فاصله سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱ سالانه به طور متوسط هزار و ۴۳۸ تولد در ایران ثبت شده که سن مادر کمتر از ۱۵ سال بوده است.

طبق قانون مدنی ایران، ازدواج دختران زیر ۱۳ سال مگر با اجازه و تشخیص دادگاه مجاز است، اما محاسبه آخرین داده‌های خام سازمان ثبت احوال در سال ۹۹ نشان می‌دهد که در آن سال ۷۶۷ مورد ازدواج زیر ۱۳ سال با اجازه رسمی دادگاه در سراسر ایران به ثبت رسمی رسیده است.

اگر بر اساس معیارهای بین‌المللی مبنای کودک‌همسری را سن ۱۸ سال در نظر بگیریم، طبق آخرین آمار، بیش از یکم پنجم ازدواج‌های ثبت‌شده در ایران مصداق «کودک‌همسری» محسوب می‌شوند. به این معنی که از حدود ۵۵۷ هزار ازدواج ثبت‌شده در سال ۹۹، در ۱۱۸ هزار مورد سن عروس کمتر از ۱۸ سال بوده است.

۱۹ زن پرافتخار ایران در سال ۱۴۰۳

زنان ایرانی در همه ادوار و با وجود سرکوب‌های شدید و آپارتاید جنسی در ایران، گذشته تلاش کرده‌اند استعدادها و توانایی‌های خود را به جامعه ثابت کنند و در همین مسیر طولانی، باعث و بانی هزاران افتخار برای جامعه شده‌اند. در هر رشته و موضوعی که قدم‌گذاری، زنانی را می‌بینی که سردمدار افتخارها هستند؛ عرصه‌های مختلفی که ۲ حوزه ورزشی و علمی سرآمد آن است.

به گزارش «خبرنامه دانشجویان ایران»، در همین تابستانی که گذشت ۸ زن در المپیک و پارالمپیک، ۳ زن در مسابقات جهانی، ۴ دانش‌آموز دختر در عرصه المپیادهای علمی جهانی و ۴ دختر هم‌بین رتبه‌های برتر کنکور نامشان می‌درخشد؛ زنانی که سهم آن‌ها در بالا ماندن پرچم ایران هر سال پررنگ‌تر می‌شود.

رقابت‌های ورزشی جهان

دختران ایرانی در هفته‌های اخیر به جز المپیک و پارالمپیک، در رقابت‌های ورزشی جهان مانند تنیس روی میز و اسکیت هم به مدال طلا و برنز دست پیدا کردند.

باران ارجمند: نخستین دختری است که جواز حضور در قهرمانی جهانی را برای تیم ملی تنیس روی میز کسب کرد و در جایگاه هفدهم رده سنی زیر ۱۵ سال دنیا قرار گرفت.

ترانه احمدی و رومینا سالک: این ۲ ورزشکار در مسابقات جهانی اسکیت با شکست رقبای قدر خود به ترتیب مدال طلا و برنز را به نام خود ثبت کردند.

المپیک پاریس

زنان ایرانی در رقابت‌های المپیک ۲۰۲۴ پاریس خاطره خوبی از خود به جای گذاشتند و پس از عبور از دالان رقابت‌های نفسگیر توانستند با در دست داشتن یک مدال نقره و یک مدال برنز به کشور بازگردند؛ زنان کاروان ایران از این طریق برای نخستین بار ۲ مدال را به نام خود ثبت کردند. در میان زنان شرکت‌کننده، رشته تکواندو خوش درخشید و مبینا نعمت‌زاده و ناهید کیانی پرچم ایران را در این رقابت‌ها بالا نگه داشتند.

مبینا نعمت‌زاده: ستاره ۱۹ ساله تکواندوی ایران، در بازی‌های المپیک تابستانی ۲۰۲۴ به مدال برنز دست پیدا کرد. این دور از رقابت‌های المپیک به‌عنوان نخستین دوره حضور نعمت‌زاده ثبت شد و با وجود این او توانست مدال برنز مسابقات تکواندو در المپیک پاریس را به نام خود سند بزند.

ناهید کیانی: جایگاه پرافتخارترین زن ایرانی المپیک ۲۰۲۴، با نام کیانی گره خورده است؛ این دختر اصفهانی متولد سال ۱۳۷۷، تاکنون ۲ بار به‌عنوان زن تکواندوکار ایرانی در المپیک‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۴ شرکت کرده است. او در این دور از رقابت‌های المپیک، مدال نقره را کسب کرد. جدا از بازی‌های المپیک، این تکواندوکار ایرانی در مسابقات قهرمانی تکواندوی جهان رکورد زد و توانست نخستین نشان طلای مسابقات جهانی در تاریخ تکواندوی زنان ایران را کسب کند.

مسابقات پارالمپیک

زنان ورزشکار ایرانی در پارالمپیک ۲۰۲۴ سنگ تمام گذاشتند و از ۱۲ زن کاروان پارالمپیک ایران، ۶ نفر توانستند مدال‌های خوشرنگی را کسب کنند و تعداد مدال‌های ایران را در این دور از رقابت‌ها افزایش دهند.

هاجر صفرزاده: این دهنده ایرانی با ۲۵ سال سن در ماده ۴۰۰ متر بازی‌های پارالمپیک پاریس، هم ایران را به مدال نقره رساند، هم با ثبت زمان ۳۹/۵۵ ثانیه توانست رکورد آسیا را بشکند.

ساره جوانمردی: این ورزشکار دهه شصتی، سابقه طولانی در رقابت‌های جهانی دارد. او که اهل شیراز است در مسابقات تیراندازی پارالمپیک ۲۰۲۴ در پاریس مدال طلا را به دست آورد.

پرستو حبیبی: یکی از کم‌سن‌وسال‌ترین ورزشکاران ایران در رشته پارادومیدانی است که با ۲۲ سال سن در رشته پرتاب کلاب موفق به کسب مدال نقره شد تا نامش در تاریخ رقابت‌های این رشته به‌عنوان نخستین مدال‌آور پارادومیدانی ایران به یادگار بماند.

زهرا رحیمی: نوجوان مرندی با ۱۵ سال سن، نعتها در جهان به‌عنوان دارنده مدال نقره مسابقات پارالمپیک شناخته می‌شود بلکه رکورد جوان‌ترین مدال‌آور تاریخ ایران در مسابقات پارالمپیک نیز از آن اوست. رحیمی که به دلیل یک مشکل مادرزادی در یکی از دستانش در مسابقات پارالمپیک شرکت کرد، به گفته خودش «هیچ‌وقت از مشکل برای خودم سد نساختم بلکه آن را تبدیل به پُل برای موفقیت کردم.»

الهام صالحی: این ورزشکار خوزستانی توانست به مدال برنز پرتاب نیزه بازی‌های پارالمپیک پاریس با ثبت رکورد ۱۶.۲۴ متر دست پیدا کند.

فاطمه همتی: این ورزشکار در رقابت‌های پارالمپیک، پرچم ایران را در دستان دهه هشتادی‌ها بالا برد. همتی متولد ۱۳۸۲ است، توانست در رشته پاراتیراندازی با کمان به مدال نقره برسد.

برترین‌های کنکور ۱۴۰۳

در میان رتبه‌های برتر ۳ رشته تجربی، انسانی و ریاضی کنکور ۱۴۰۳، نام ۴ دانش‌آموز دختر دیده می‌شود. صبا معصوم‌نیا سماکوش: دختری با اصالت مازندرانی که به‌دلیل شغل پدرش در نیروی دریایی ارتش، چند سالی است در مدارس هرمزگان مشغول تحصیل است و امسال نامش به‌عنوان رتبه یک تجربی مورد توجه کنکوری‌ها و خانواده‌هایشان قرار گرفت و موجب شد اهالی بندرعباس که تاکنون در میان نفرات برتر کنکور جایی نداشتند، امسال افتخار رتبه یک رشته علوم تجربی را برای خود سند بزنند.

ساغر استهبندی، فاطمه فاطمی‌فرد و نسترن گل‌آقائی: نام این ۳ دختر نوجوان در میان ۱۰ نفر برتر کنکور انسانی جای گرفت. ساغر استهبندی دانش‌آموز اهل مشهد است که با رتبه ۲ کنکور انسانی، نتیجه درخشانی را به‌دست آورد. فاطمه فاطمی‌فرد نیز که ساکن تهران است با رتبه ۵ انسانی در کنکور امسال خوش درخشید و نسترن گل‌آقائی دانش‌آموز دختر اهل اصفهان هم، رتبه ۱۰ انسانی را به‌دست آورد.

المپیادهای علمی جهان

مدال‌های المپیادهای علمی جهان در سال جاری نشان داد که دانش‌آموزان دختر ایران در رقابت‌های علمی خوش می‌درخشند و از ۷ رشته رقابت‌های المپیاد علمی، ۴ دانش‌آموز دختر به مدال دست پیدا کرده‌اند.

حنانه خرم‌دشتی: یکی از اعضای تیم ۵ نفره نجوم و اختر فیزیک که در هفدهمین دوره المپیاد جهانی نجوم راهی برزیل شد و مدال طلا را کسب کرد. این دانش‌آموز مدال‌آور به‌عنوان کاپیتان تیم‌های المپیادی ایران در رقابت‌های سال آینده معرفی شد.

سارا موسائی: دانش‌آموزان ایرانی در پنجاه‌وچهارمین المپیاد جهانی فیزیک که در اصفهان برگزار شد با یک نشان طلا و ۴ نشان نقره، به مقام چهارم رسیدند. سارا موسائی اهل تهران یکی از اعضای تیم فیزیک بود که به مدال نقره این دوره از رقابت‌ها دست یافت.

فاطمه حقانی: مدال برنز هفدهمین المپیاد جهانی علوم زمین ۲۰۲۴ چین با همت فاطمه حقانی با نام ایران گره خورد و این دانش‌آموز کشورمان در بخش انفرادی این المپیاد علمی، مدال برنز را از آن خود کرد.

پرینا دباغ: این دانش‌آموز تهرانی که اصالتش به مشهد برمی‌گردد، دیپلم افتخار ریاضی در شصت و پنجمین المپیاد جهانی ۲۰۲۴ انگلیس را با خود به ایران آورد؛ هر چند او در این دور از رقابت‌ها نتوانست مدالی به‌دست بیاورد اما پیش از این به‌دلیل کسب مدال طلا در المپیادهای کشوری ریاضی در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ نامش در کنار مریم میرزاخانی درخشیده بود.

کانون فیلم‌سازان مستقل ایران، روز جمعه ۲۳ شهریور ۱۴۰۳ در بیانیه‌ای خیزش «زن، زندگی، آزادی» را جنبشی «انسانی و عدالت‌خواهانه» خواند که با وجود بی‌رحمی حکومت جمهوری اسلامی دیگر سرکوب‌پذیر نیست.

نویسندگان این بیانیه که در آستانه دومین سال‌گرد قتل حکومتی مهسا (ژینا) امینی منتشر شده است با نام بردن از شماری از جان‌باختگان اعتراضات نوشته‌اند: «حماسه‌ای که زنان و مردان ایرانی در اعتراض به جنایات حکومت خودکامه دینی رقم زدند، با دوربین موبایل‌های جوانان و نوجوانان ایرانی ضبط شد و جهان تحت تأثیر آن تصاویر تکان‌دهنده قرار گرفت.»

کانون فیلم‌سازان مستقل ایران با اشاره به این‌که از آغاز اعتراضات سراسری در ایران، جمهوری اسلامی به روش‌های «بی‌رحمانه‌تر» از قبل کوشید تا خیزش «زن، زندگی، آزادی» را سرکوب کند، تاکید کرده پیروان این جنبش انسانی و عدالت‌خواهانه، هر روز به روش‌های مقاوم‌تری دست می‌یابند که دیگر سرکوب‌پذیر نیست.

کانون فیلم‌سازان مستقل، همچنین نوشته است که از دل جنبش «زن، زندگی، آزادی» سینمایی مستقل زایش یافته است که دیگر دروغ و سانسور را بر نمی‌تابد.

این کانون دو روز پیش نیز به مناسبت «روز سینما» بیانیه‌ای منتشر کرد و نوشت: «در ویرانشهر امروز سینمای ایران تبریک روز سینما نه تنها طعنه‌آمیز که موهن است.»

جنبش «زن، زندگی، آزادی»، یکی از مهم‌ترین و تاثیرگذارترین جنبش‌های اجتماعی در تاریخ معاصر ایران است که به واسطه عمق و گستردگی آن، نه تنها در داخل ایران بلکه در سطح بین‌المللی نیز بازتاب گسترده‌ای یافته است. این جنبش، در پاسخ به صدها سال تبعیض جنسیتی، محدودیت‌های حقوقی و اجتماعی و همچنین سرکوب‌های گسترده زنان در ایران شکل گرفته است و در بستر یک ساختار اجتماعی و سیاسی که به‌طور سیستماتیک حقوق و آزادی‌های زنان را نادیده گرفته، رشد کرده است.

در کنار اعتراضات و مبارزات خیابانی، این جنبش از طریق ابزارهای مختلفی همچون هنر، ادبیات، رسانه‌های اجتماعی و کمپین‌های بین‌المللی تلاش کرده است تا صدای خود را به گوش جهانیان برساند. این تلاش‌ها، به ویژه در عرصه بین‌المللی، سبب شده است تا توجه جهانی به وضعیت زنان در ایران جلب شود و حمایت‌های گسترده‌ای از سوی سازمان‌ها و نهادهای حقوق بشری صورت گیرد.

زنان در دوره جنبش «زن، زندگی، آزادی»، خط مقدم اعتراضات حضور داشتند و به‌عنوان رهبران و سازمان‌دهندگان اصلی این جنبش عمل کردند. آن‌ها با شجاعت و تصمیم‌گیری‌های قاطع، مسیر اعتراضات را هدایت کردند. زنان مبارز با وجود سرکوب شدید و برخوردهای خشونت‌آمیز نیروهای امنیتی، به مقاومت خود ادامه دادند.

حضور فعال و بی‌وقفه آن‌ها در خیابان‌ها نشان دهنده اعتقاد به آزادی و شجاعت آنان است. با بهره‌گیری از شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های بین‌المللی، زنان ایرانی توانستند صدای خود را به گوش جهانیان برسانند. آن‌ها با اشتراک گذاشتن تجربیات و داستان‌های خود، آگاهی عمومی را درباره وضعیت حقوق زنان در ایران افزایش دادند. زنان مبارز نه تنها به دنبال حقوق خود بودند، بلکه برای حقوق تمامی اقشار جامعه مبارزه کردند. این همبستگی اجتماعی و حمایت از گروه‌های مختلف، از جمله حلق‌های تحت ستم، نشان‌دهنده وحدت و همدلی در این جنبش است.

زنان با استفاده از هنر، ادبیات، موسیقی و سایر اشکال بیان فرهنگی، پیام‌های جنبش را به تصویر کشیدند. این اقدامات فرهنگی و هنری نه تنها به گسترش پیام جنبش کمک کرد بلکه به ایجاد حس هویت و همبستگی میان معترضان نیز یاری رساند. زنان مبارز ایران توانستند تغییراتی در سیاست‌های دولت‌های اروپایی نسبت به ایران ایجاد کنند و توجه جهانیان را به مسائل حقوق بشر در ایران جلب کنند.

این جنبش توانسته است توجه سازمان‌های حقوق بشری، رسانه‌ها و افکار عمومی جهانی را به خود جلب کند. بسیاری از دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی از حقوق زنان ایرانی حمایت کرده‌اند.

زنان نویسنده

تاریخ معمولاً زنان را نادیده می‌گیرد. اما زنانی وجود دارند که با شجاعت و دلآوری نام خود را بر دیوار تاریخ حک کردند. این زنان فارغ از انتظارات جامعه، تأثیرات به‌سزایی بر جای گذاشتند.

نویسنده‌های زن ایرانی در دهه‌های اخیر نقش قابل‌توجهی در ادبیات و خصوصاً ادبیات داستانی داشته‌اند. تاریخ ایران پر از بانوان سخت‌کوش و شجاعی است که با وجود بسیاری از مشکلات و باوجود محدودیت‌های قانونی، شرعی، عرفی و سنتی، برای خواسته‌های خود مبارزه کرده‌اند. اسلحه بسیاری از این زنان، قلم توانمند و ذهن پویای آنان برای خلق آثار ادبی بی‌نظیری همچون اشعار، رمان و داستان‌های فوق‌العاده است.

بسیاری از آثار نویسنده‌های معروف زن ایرانی به درخشش جهانی رسیده‌اند و جوایز و افتخارات زیادی را از آن خود کرده‌اند. طبق گفته مجید اسلامی، منتقد و سردبیر مجله ادبی-هنری هفت: «نویسندگان زن ایرانی نه‌تنها به پیشگامان ادبیات فارسی مبدل شده‌اند، بلکه دیدگاه جامعه را نسبت به خود به‌عنوان نویسنده تغییر داده‌اند.»

طبق آمار ثبت شده در تاریخ، حضور زنان دانشجو در سال‌های آخر حکومت پهلوی، زیر ۱۰ درصد بود که این رقم بعد از پیروزی انقلاب به بالای ۶۰ درصد رسیده که جای تامل دارد که تعداد زنان نویسنده از عدد ۱۱ نفر در آن سال‌ها به ۲۸ هزار نفر در سال ۱۳۹۶ رسیده است. می‌توانیم بگوئیم ادبیات قوی منسجم در ادبیات ایران در دهه هشتاد توسط زنان نویسنده خلق شد و به سمت سال ۱۳۹۰ هدایت شد.

بسیاری از منتقدان و نظریه‌پردازان جنس را از جنسیت جدا می‌دانند. جنس چیزی است که به لحاظ بیولوژیکی با آن به دنیا می‌آئیم، ولی جنسیت آن چیزی است که در جامعه و با فرهنگ ساخته می‌شود. یادمان باشد در دوره‌هایی از تاریخ دنیا و کشور ما، تمامی هنرمندان از جمله داستان‌نویسان زن از تمام آثار خود آگاهانه جنسیت‌زدایی می‌کردند، برای این‌که فقط بتوانند در بازار رقابت مردانه حضور داشته باشند. آثار این هنرمندان، داستان‌نویسان و شاعران، نه نشان‌دهنده تاریخ است که زن در آن زندگی کرده و نه کوچکترین نشانی از یک اثر زن‌ساخته در آن وجود دارد. بنابراین وقتی درباره زن در یک هنر و عرصه ادبیات داستانی صحبت می‌کنیم، هم درباره آثاری که زنان خلق کردند، هم درباره آثاری که مردان خلق کردند ولی کاراکتر آن زن است و هم در مورد آثاری که زن در آن‌ها وجود دارد،

بسیاری از نظریه‌پردازان نگاه زنانه را منع می‌کنند. متأسفانه حتی در ایران و بین زنان معاصر خودمان بسیاری از داستان‌نویسان این تلقی را قبول ندارند که ما مثلاً نقاش زن یا داستان‌نویس زن داریم. اگر خاطرات تاج‌السلطنه که در سال ۱۳۰۳ نوشته شد (که آن‌هم فقط به‌عنوان اثری که یک زن نوشته مهم بوده، چون یک اثر تاریخی و خودنوشت است) را فاکتور بگیریم، تا سال ۱۳۱۰ اثر قابل‌توجهی نداریم. تا سال ۱۳۴۸ که «سووشون» نوشته شد. تمام این دهه‌ها را که بررسی کنیم، یک سری آثار مانند «سووشون» به نقطه عطف تبدیل شدند، چون تحولات آن دوران را از نگاه یک زن روایت می‌کند. اما در سال‌های اخیر با رشد حیرت‌آور زنان نویسنده در ایران مواجه بوده‌ایم. به‌عنوان مثال در رمان زویا پیرزاد، شخصیت زن، خانهدار است. ولی آن‌قدر در بطن داستان شخصیتش پررنگ می‌شود که در ادبیات داستانی بعد از آن بسیاری از زنان نویسنده در حوزه ادبیات داستانی، این شخصیت را بازتولید کردند.

نتیجه‌گیری

در حقیقت بذر ۸ مارچ در سال ۱۹۰۸ کاشته شد، زمانی که ۱۵ هزار زن در شهر نیویورک راهپیمایی کردند و خواهان ساعات کار کمتر، حقوق بیشتر و حق رای شدند. حزب سوسیالیست امریکا، یک سال بعد از این راهپیمایی، اولین روز جهانی زن را اعلام کرد.

ایده جهانی شدن این روز از زنی به نام کلارا زتکین بود. او این پیشنهاد را در سال ۱۹۱۰ در کنفرانس جهانی زنان کارگر در کینهاگ داد. اولین بزرگداشت این روز در سال ۱۹۱۱ در اتریش، دانمارک، المان و سوئیس برگزار شد. روز جهانی زن روزی است که پیشرفت زنان در جامعه و سیاست و اقتصاد جشن گرفته می‌شود، ریشه‌های سیاسی این روز، اعتصابات و اعتراضات و جنبش‌ها، همه برای ایجاد آگاهی و هشدار نابرابری‌های مستمر بوده‌اند. روز جهانی زن، در اکثر کشورهای دنیا ثبت شده است و به پاس قدردانی از زنان بدون در نظر گرفتن حرفه، نقش، دین، زبان و جغرافیا به یادبود تعیین شده است. این روز برای بزرگداشت دستاوردهای زنان و ارتقای حقوق زنان در ۸ مارچ برگزار می‌شود.

پس از گذشت دو دهه و نیم از قرن بیست و یکم، هنوز هم قوانین ارتجاعی و قرون وسطائی به‌ویژه علیه زنان حاکم است. به گزارش کمیسر حقوق بشر سازمان ملل و معاون دبیرکل سازمان ملل در ژانویه ۲۰۲۵، «در سال میلادی که گذشت بیش از ۹۰۰ نفر در ایران اعدام شدند. حداقل ۳۱ زن در میان اعدام‌شدگان بودند. قتل‌های ناموسی در ایران که به دست اعضای مرد خانواده صورت می‌گیرد، با ارقام هشدار دهنده‌ای در حال افزایش است و جمهوری اسلامی، «نه تنها اقدامی برای متوقف کردن آن انجام نمی‌دهد»، بلکه در این خشونت‌ها «شریک» است.

جمهوری اسلامی ایران با برخورد شدید و دستگیری زنان معترض، تلاش کرده است این جنبش را سرکوب کند. بسیاری از زنان بازداشت، محاکمه و به زندان محکوم شده‌اند. با وجود سرکوب‌ها، مبارزه زنان ایرانی علیه تبعیض و حجاب اجباری توانسته است آگاهی عمومی را نسبت به حقوق زنان افزایش دهد و همبستگی بیش‌تری بین زنان ایجاد کند.

با وجود تمام این فشارهای مضاعف حکومتی، زنان فعال ایرانی در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و مدنی همچنان برای تحقق اهداف آزادی‌خواهانه و برابری‌طلبانه خود و برای به دست آوردن حقوق اولیه انسانی خود، برای از بین بردن هر گونه نابرابری، با سیاست‌های ضد زن و ارتجاعی جمهوری اسلامی به مبارزات خود ادامه می‌دهند.

زنان ایران با آگاهی و جسارت تحسین برانگیزی بر علیه مردسالاری و قوانین زن‌ستیز و به‌طور کلی علیه جمهوری جهل و جنایت و ترور اسلامی ایران، حتی در زندان‌ها نیز مبارزه می‌کنند.

در دفاع پرشور از زندانیان سیاسی با برپائی سه‌شنبه‌های اعتراضی در زندان‌ها، در مبارزه شجاعانه علیه مجازات اعدام و قتل عمد دولتی، زنان در صف اول و رهبری این مبارزات قرار دارند.

زنان در زندان به‌همراهی زندانیان دیگر با اعتصاب غذا در روزهای سه‌شنبه، بیش‌تر از یک سال است که «کارزار علیه مجازات اعدام» را به پیش می‌برند. زنان زندانی به بهترین و قوی‌ترین اشکال از درون زندان‌ها به مبارزات تاثیرگذار خود ادامه می‌دهند.

زنان برای لغو اعدام و احکام اعدام پخشان عزیزی، وریشه مرادی، شریفه محمدی و ده‌ها زندانی سیاسی دیگر تلاش می‌کنند و خواهان حذف کلی مجازات اعدام و دیگر قوانین زن‌ستیز از قوانین جمهوری اسلامی هستند.

زنان و دختران شجاع و پر توان، هر کدام به شیوه خود و در زندگی روزمره با برداشتن حجاب اجباری از سر و ابتکارات دیگر مانند رقصیدن و آواز خواندن و همچنین شرکت در اعتراضات به مبارزه با این رژیم سرکوبگر ادامه می‌دهند. مبارزات زنان در ایران تا رسیدن به برابری و رفع تبعیض جنسی-جنسیتی و تا سرنگونی کلیت جمهوری اسلامی و برقرار یک جامعه آزاد و برابر و انسانی، همچنان ادامه خواهد داشت.

۸ مارچ روزی است که زنان مبارز ایران به‌ویژه زنان مزدبگیر و آگاه، می‌توانند جنبش خود را بازسازی کنند! بی‌تردید تجلیل از هشت مارچ، به‌عنوان روز جهانی زن، نیازمند انسجام انترناسیونالیستی زنان است.

چهارشنبه پانزدهم اسفند- حوت- ۱۴۰۳- پنج‌م مارچ ۲۰۲۵

ضمیمه ۱:

گردهمانی پرشور فعالان اجتماعی در استقبال از «هشت مارچ» در تهران

جمعی از فعالین ندای زنان ایران به‌همراه بیش از ۷۰ نفر از فعالین کارگری، معلمان، بازنشستگان، نویسندگان، پرستاران، خانواده‌های دادخواه و فعالین مدنی و دانشجویی مراسم هشت مارچ، روز جهانی زن را برگزار کردند.

این مراسم که چهره‌های شاخص جنبش‌های اعتراضی و فعالین اجتماعی در آن حضور داشتند با یاد #مهسا_امینی و دیگر جان‌باختگان راه آزادی، قرائت پیام‌ها و همخوانی آهنگ‌هایی به یاد #نیکا_شاکرمی #حدیث_نجفی و #حمیدرضاروحی و به یاد همه جان‌باختگان #انقلاب_ژینا، آواز زنان و همچنین بخش شاد موزیک و رقص گروهی همراه بود.

پیام‌ها و صحبت‌های حضار نکات مشترکی با محوریت موارد ذیل وجود داشت:

- لغو آپارتاید جنسیتی
- مخالفت با اعدام و لغو همه احکام اعدام از جمله احکام #شریفه_محمدی #پخشان_عزیزی #وریشه_مرادی و همه کسانی که زیر تیغ اعدام هستند.
- اعتراض به فقر، تبعیض و محرومیت از معیشت، منزلت به‌عنوان درد مشترک همگان
- لغو همه قوانین ضد زن
- پایان دادن به قتل تحت عنوان ناموس و ازدواج کودکان به‌عنوان جنایت‌های قانونی
- آزادی همه زندانیان سیاسی
- دادخواهی از جان‌باختگان راه آزادی

این مراسم با محوریت شعار «زن زندگی آزادی» و تاکید حضار بر اتحاد همه عرصه‌های مبارزاتی برای ساختن یک زندگی بهتر و با رقص و شادی به پایان رسید.

#۸مارچ

#نه_به_آپارتاید_جنسیتی

اسفند ۱۴۰۳

ضمیمه ۲:

زنان شاعر و مساوت‌طلب و مبارز در تاریخ ایران!

پنج‌شنبه ششم اردیبهشت ۱۴۰۳-بیست و پنجم آوریل ۲۰۲۴؛ بهرام رحمانی

<https://www.azadi-b.com/?p=43978>